

فردا دیر است!

در شماره ۳۳ مجله مطلبی با عنوان بالا، به قلم دو نفر از همکاران درج گردید و در آن به موضوعاتی از جمله اهمیت برنامه‌های تربیتی در تکوین شخصیت کودکان و تأکید بر پرورش رفتارهای تربیتی در کودکان به جای انتقال صرف اطلاعات و دانستنی‌های متداول به آنان پرداخته شد. در نظر است به یاری حق تعالی، از این شماره موضوعاتی از این دست با همین عنوان مورد واکاوی قرار گیرند. از مریدان ارجمند، والدین عزیز و کارشناسان و استادان فرهیخته و علاقه‌مند، انتظار داریم ما را در این زمینه، نقد و یاری نمایند.

در ادامه بحث مقدماتی، با عنوان «فردا دیر است!» در شماره قبلی مجله ضمن آنکه باور داریم در حال حاضر، همین آموزه‌ها و فعالیت‌های ساده نیز با موضوع انتقال دانستنی‌های ابتدایی به کودکان با هدف تربیت ماندگار و تکوین مبانی شخصیتی در آنان صورت می‌پذیرد، در این یادداشت، به یکی از ابعاد مهم فطری در کودکان که روحیه و گرایش «خیرخواهی» است، می‌پردازیم. با نگاهی به موضوع کلی یاد شده، مواردی جزئی‌تر از ذهن انسان می‌گذرد:

- نوع‌دوستی و مهربانی با دیگران
- دستگیری از نیازمندان و محرومان
- فداکاری و ترجیح دادن دیگران بر خود
- دلسوزی نسبت به مظلومان و ستم‌دیدگان
- حساس بودن به مسائل و مشکلات اجتماعی

در حال حاضر، برای وصول به اهداف اخلاقی فردی و اجتماعی با سازوکارهایی مضامینی ملموس و قابل درک برای کودکان و انتخاب و با تشکیل شبکه مفهومی و دسته‌بندی و استخراج موضوعات فرعی، فعالیت‌های مرتبط با اهداف مورد نظر طراحی می‌گردند که از جمله آن‌ها استفاده از قالب‌های شعر و قصه، نقاشی و کاردستی، بازی و نمایش خلاق، بحث و گفت‌وگو، آزمایش و مشاهده است. در خصوص موضوع این نوشته (تربیت و تقویت روحیه و گرایش فطری و اخلاقی در کودکان پیش‌دبستانی) بهترین قالب و فعالیت‌هایی که می‌تواند در کودکان آثاری ماندگار داشته باشد، ایفای نقش در نمایش خلاق است.

در ادامه، به دو صحنه نمایشی که با موضوع مورد بحث مرتبط است، می‌پردازیم که نقش‌آفرینی کودکان در آن‌ها به بیداری و شکوفایی فطرت پاک آنان کمک شایانی می‌کند. این نمایش‌ها با هدایت مریدان توسط خود بچه‌ها اجرا می‌گردد.



صحنه اول، تعدادی از

کودکان در یک صف نمایشی، منتظر رسیدن اتوبوس برای سوار شدن و رفتن به مقصد هستند (برای نشان دادن وسیله نقلیه می توان از کارتن های بزرگ و امثال آن استفاده کرد). در این حین، کودکی با آرایش یک پیرمرد یا پیرزن قدخمیده و عصا به دست و یا بیماری با عصا، از راه می رسد و در انتهای صف می ایستد. به محض ورود آن شخص، همه بچه های حاضر در صف به وی اصرار می کنند که به ابتدای صف بیاید و اول از همه سوار اتوبوس شود. آن شخص نمی پذیرد ولی دو نفر از بچه دست او را می گیرند و به آرامی و همراه با احترام و ادب او را به اول صف هدایت می کنند.

در همین هنگام، صدای اذان ظهر از پخش صوت داخل کلاس بلند می شود؛ در حالی که به عبارت «حی علی خیرالعمل» می رسد.

آن گاه مربی، کودکان را به بحث و گفت و گو هدایت می کند. او ضمن توضیح دادن درباره معنای خیرالعمل و شتاب برای انجام آن، نخست به ادای نماز (به عنوان یکی از مصادیق این عبارت) و سپس به همه کارهای خوب از جمله احترام به بزرگ ترها - کمک به نیازمندان و دستگیری از دیگران به عنوان عبادت اشاره می کند و به کمک بچه ها بحث را به نتایج غیرمستقیم نمایش می رساند.

صحنه دوم، مشابه صحنه اول است؛ با این تفاوت که بچه ها روی صندلی هایی مثل صندلی های اتوبوس یا مینی بوس نشسته اند و بیمار یا پیرمرد یا پیرزنی عصا در دست وارد می شود. و اصرار و تعارف بچه ها برای نشستن وی به جای آنان و همزمان پخش اذان در ماشین با تمرکز بر عبارت زیبای حی علی خیرالعمل (بشتاب به سوی بهترین کارها) و بحث و گفت و گوی کودکان با یکدیگر با هدایت مربی و...